

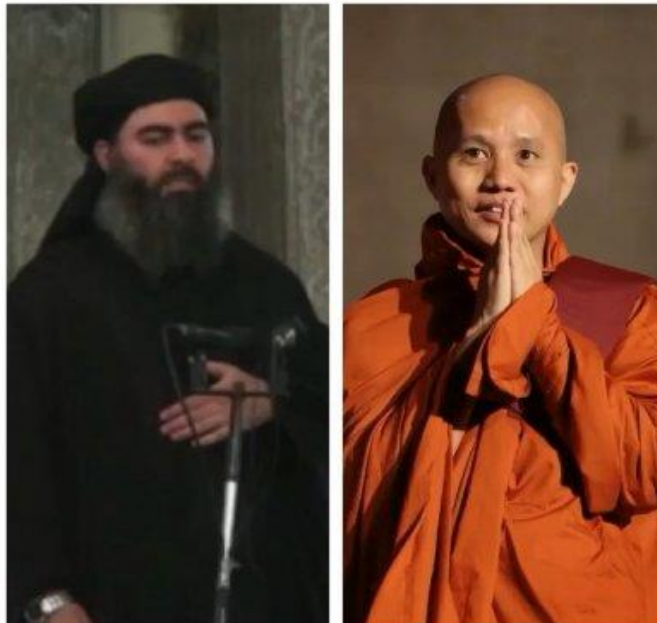
برخورد تمدن‌ها

نوشته‌ی تیری میسان

Choc des civilisations 2
par Thierry Meyssan

از 16 سال پیش، بحث و جدل‌های بی‌شماری کارشناسان سیاسی بین‌المللی را برای تعیین اهداف استراتژی ایالات متحده آمریکا بخود واداشته است. روشن است که ساده‌تر می‌توانیم پس از این دوران با قاطعیت از آغاز آن بگوئیم. با وجود این، خیلی به ندرت چنین کاری را انجام داده‌اند و همچنان به تدریس نظریاتی ادامه می‌دهند که واقعیات بی‌اعتباری آنها را اثبات کرده است. با اتکا به نتایج این بحث و جدل‌ها، تیری میسان مرحله‌ی بعدی و پیش‌بینی شده برای ارتش ایالات متحده آمریکا بر اساس نظریه پردازانش در پیش از این دوران را یادآوری می‌کند، یعنی مرحله‌ای که می‌تواند در آینده به اجرا گذاشته شود.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | 8 اکتبر 2017



ابوبکر بغدادی و آشین ویتارثو
Abou Bakr al-Baghdadi & Ashin Wirathu

نیروهائی که برای طرح تخریب «خاورمیانه بزرگ» اندیشیده و در نظر گرفته شده اند، منطقه خاورمیانه را به مثابه آزمایشگاهی تلقی می کردند که استراتژی نوین باید در آن به آزمون گذاشته شود... اگر در سال 2001 این نیروها شامل دولتهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و اسرائیل بود، قدرت سیاسی را در واشنگتن از دست داده اند و طرح اقتصادی و نظامی خود را در پیوند با شرکت های چند ملیتی خصوصی ادامه می دهند.

این نیروها استراتژی خودشان را از یک سو پیرامون بررسی های درباردار آرتور سبروسکی Arthur Cebrowski و معاونش توماس بارنت Thomas Barnett در پنتاگون، و از سوی دیگر برنارد لوئیس Bernard Lewis و معاونش ساموئل هانتینگتون Samuel Huntington در شورای امنیت ملی طراحی کرده اند (1).

هدفشان این است که هم زمان تسلط خود را با تحولات فنی و اقتصادی معاصر تطبیق دهند و آن را به کشورهای سابقاً سوسیالیست گسترش دهند. در گذشته، واشنگتن اقتصاد جهانی را از طریق بازار جهانی انرژی و تحمیل دلار برای هر گونه قرارداد نفتی کنترل می کرد. و آنانی که می خواستند این قاعده را ندیده بگیرند به جنگ تهدید می شدند. ولی با گزینش جزئی گاز روسیه، ایران، قطر و به زودی سوریه بجای نفت این نظم نمی توانست ادامه یابد.

با پیوند مجدد با تاریخ تبهکاری نزد بخش بزرگی از مهاجران آمریکائی، این نیروها در تخیلاتشان به این فکر افتادند که تسلط خود را بر کشورهای غنی با زور بگیری ادامه دهند. نه فقط برای دسترسی به منابع انرژی فسیل بلکه بطور کلی برای دسترسی به مواد اولیه، دولتهای با ثبات (به علاوه شوروی سابق) باید «حمایت» ارتش ایالات متحده آمریکا و به شکل جانبی ارتش بریتانیا و اسرائیل را درخواست کنند.

تحقق چنین طرحی مستلزم تقسیم جهان به دو بخش بود، جهانی سازی اقتصادهای با اعتبار و تخریب کل قابلیت های مقاومت بقیه جهان.

این جهان بینی خیلی با آنچه در امپراتوری بریتانیا و صهیونیسم رواج داشت تفاوت دارد. این تغییر وادی (پارادیگم) نمی توانست تحقق یابد مگر با یک بسیج پی در پی با شوک روانی، با یک «پرل هاربر جدید». نامش 11 سپتامبر است.

اگر این طرح هذیان آمیز و اسفناک بنظر می رسد، 16 سال بعد می توانیم ببینیم که در واقع در شرف تکوین است و به موانع پیشبینی ناپذیری برخورد کرده است.

جهانی سازی اقتصاد کشورهای با اعتبار تقریباً کاملاً تکوین یافته بود تا اینکه یکی از آنها، روسیه به شکل نظامی با تخریب قابلیت‌های مقاومت در سوریه و سپس با ضمیمه سازی اجباری اوکراین در اقتصاد جهانی نیز مخالفت کرد. در نتیجه واشنگتن و لندن به همپیمانان خود دستور دادند مسکو را تحریم اقتصادی کنند. با چنین حرکتی، روند جهانی سازی کشورهای معتبر را متوقف کردند.

چین با راه اندازی طرح «راه های ابریشم» به شکل قابل توجهی در کشورهای که به تخریب محکوم شده بود سرمایه گذاری کرد. نیروهائی که «نقشه جدید جهان» را به سیلقه خودشان ترسیم می کنند در رویارویی با این وضعیت واکنش نشان دادند و یک دولت تروریست به وجود آوردند تا راه ابریشم قدیمی را قطع کنند که از عراق و سوریه عبور می کرد و اوکراین را نیز به صحنه جنگ تبدیل کردند تا راه دوم ابریشم را مسدود کند.

این نیروها در حال حاضر بر آن هستند که هرج و مرج را به منطقه دیگری در آسیای جنوب شرقی گسترش دهند. به گزارش کمیته ضد تروریست سازمان ملل متحد تخمین زده شده است که جهاد طلبان به آنجا مهاجرت کرده اند. با چنین حرکتی، این نیروها دوران 2012-16 در خاورمیانه را خاتمه داده اند، بی هیچ پیشداوری درباره جنگ پیرامون کردها، تخریب آسیای جنوب شرقی را آماده می کنند. و این دومین مرحله از «برخورد تمدنها» خواهد بود، پس از مسلمانان علیه «یهودی-مسیحیان» (2)، این بار مسلمانان علیه بودائی ها.

[Thierry Meyssan](#)

[1] *Network Centric Warfare : Developing and Leveraging Information Superiority*, David S. Alberts, John J. Garstka & Frederick P. Stein, CCRP, 1999. *The Pentagon's New Map*, Thomas P. M. Barnett, Putnam Publishing Group, 2004. « The Roots of Muslim Rage », Bernard Lewis, *Atlantic Monthly*, septembre 1990. « The Clash of Civilizations ? » & « The West Unique, Not Universal », Samuel Huntington, *Foreign Affairs*, 1993 & 1996 ; *The Soldier and the State & The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, Samuel Huntington, Harvard 1957 & Simon and Schulster 1996.

(2) اصطلاح یهودی-مسیحی بطور مشخص تا سال 90 به معنای گروه یهودیانی بود که پیرامون ژاک قدیس به مسیحیت گرویده بودند. این گروه پس از غارت اورشلیم توسط رومی ها منحل شد. با وجود این، مسیحیان غربی در سنتهای مذهبی خود همچنان برای کتاب عهد قدیم اهمیت بسیاری قائل هستند، بی آنکه به تفاوت دیدگاه مسیحی و یهودی آگاه باشند. بر عکس، مسیحیان شرق، به سنتهای پیشینیان خود

وفادار باقی مانده اند و به ندرت به نوشته های یهودی مراجعه می کنند و در عِشای ربّانی از خواندن آنها امتناع می کنند.

ترجمهٔ حمید محوی